صاعقه‌ای که مخفیگاه سارق مسلح را لو داد

براساس خاطره‌ای از سرهنگ امیر اسدی، رئیس اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ زنگ در خانه چندین بار به صدا درآمد، اما چون زوج سالخورده داخل اتاق نشیمن سرگرم تماشای تلویزیون با صدای بلند بودند متوجه صدای زنگ نشدند. لحظاتی بعد ناگهان در ورودی خانه باز شد و چند مرد در حالی که نقاب به چهره داشتند، وارد اتاق شدند. زن و مرد صاحبخانه که با دیدن مردان نقابدار شوکه شده بودند از ترس زبانشان بند آمد. از سوی دیگر سارقان نیز که تصور کرده بودند کسی در خانه نیست با دیدن زوج سالخورده جا خوردند. اما خیلی زود به خود مسلط شدند و یکی از آنها اسلحه‌اش را به سمت زوج سالخورده گرفت و با تهدید از آنها خواست جای گاوصندوق را نشان دهند. زن و مرد صاحبخانه که چاره‌ای نداشتند هر دستوری را که سارقان می‌دادند اجرا کردند و سارقان مقابل چشمان آنها تمام سرمایه یک عمر زندگیشان را داخل کیسه‌ای ریخته و فرار کردند.

پیرمرد که با دیدن ناگهانی سارقان درد عجیبی در قفسه سینه‌اش پیچیده بود برای اینکه همسرش بیشتر نترسد سعی می‌کرد ظاهرش را حفظ کند اما به محض خروج سارقان انگار آخرین رمق‌های جان پیرمرد نیز از بدن خارج شد و در یک لحظه نقش بر زمین شد و از هوش رفت. همسرش که از دیدن سارقان و سرقت اموالش هنوز در شوک بود با بی‌هوش شدن شوهرش دیگر کنترلش را از دست داد اما نمی‌دانست باید چه کار کند فقط فریاد می‌کشید و خدا را صدا می‌زد. می‌خواست با پسرش تماس بگیرد اما شماره‌ها از ذهنش پاک شده بود بالاخره به سختی شماره پسرش را به خاطر آورد و با او تماس گرفت و بریده و بریده ماجرا را تعریف کرد. دقایقی بعد هم امدادگران اورژانس و پلیس راهی محل شدند. پیرمرد به بیمارستان منتقل شد، اما پزشکان مرگ او را بر اثر ایست قلبی ناشی از شوک و هیجان تأیید کردند.

۴۸ ساعت برای بازخوانی پرونده

تحقیقات پلیسی ادامه داشت اما هیچ ردی از سارقان در دست نبود تا اینکه پرونده از پایگاه پلیس محل حادثه به اداره ۱۷ پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. کارآگاهان ظرف ۴۸ ساعت، پرونده را بازخوانی و مطالعه کردند.

بررسی‌ها نشان داد سارقان با تخریب در ورودی وارد خانه شده بودند شگردشان نشان می‌داد که آنها سارقانی سابقه‌دار هستند. برای رسیدگی دقیق‌تر، کارگروهی تشکیل شد و تصاویر دوربین‌های مداربسته، شیوه سرقت، نوع خودرو و سوابق سارقان احتمالی مورد بررسی قرار گرفت.

تصاویر دوربین‌ها چهره سارقان را نشان نمی‌داد، در ادامه، مأموران بانک‌های اطلاعاتی مربوط به سارقان سابقه‌دار را بررسی کردند و افرادی را که در همان بازه زمانی با خودروهای مشابه سارقان در محدوده تردد داشتند، مورد بررسی قرار دادند. در مجموع، حدود ۴۰ نفر در فهرست مظنونان پلیس قرار گرفتند که باید تک تک آنها رصد می‌شدند.

سرنخ پلیس در فیلم میهمانی پرهزینه

کارآگاهان در شاخه دیگری از تحقیقات به بررسی صفحات مجازی مظنونان پرداختند و در این بررسی‌ها نکته‌ای توجه آنها را جلب کرد.

یکی از مظنونان به نام شهاب، حدود یک هفته پس از وقوع سرقت، تصویری از یک میهمانی در فضای مجازی منتشر کرده بود. میهمانی پرهزینه‌ای که برای برگزاری آن پول زیادی خرج شده بود.

کارآگاهان لباس‌ها، کفش‌ها و جزئیات ظاهری افراد حاضر در این فیلم را با تصاویر دوربین‌های مداربسته محل سرقت مقایسه کردند. با اینکه مدارک مهمی به دست نیامد اما مجموعه‌ای از نشانه‌ها باعث شد احتمال ارتباط این فرد با سرقت افزایش پیدا کند.

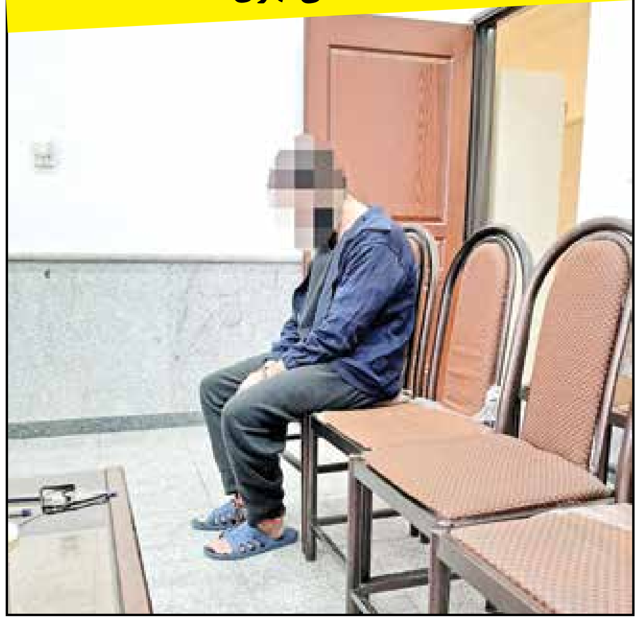

فرار سارق

کارآگاهان با این احتمال که شهاب، یکی از سارقان خانه زوج سالخورده باشد به بررسی محل‌های تردد و مخفیگاه‌های وی پرداختند. یکی از کارآگاهان در تشریح ماجرا گفت: متوجه شدیم چند روز قبل پلیس کرج او را به اتهام سرقت بازداشت کرده است. بنابراین درخواست تحقیق از وی برای ماجرای سرقت از خانه زوج سالخورده مطرح شد اما هنگام انتقال متهم از دادسرا به اداره آگاهی کرج، متهم از یک لحظه غفلت سرباز بدرقه سوء استفاده کرده و موفق به فرار شده بود.

بدین ترتیب بازجویی مقدور نشد اما با بررسی وسایل و خودرویی که از متهم نزد پلیس کرج توقیف شده بود، یک گوشی تلفن همراه به دست آمد.

با بررسی عکس‌ها و فیلم‌های داخل گوشی چند عکس از شهاب با همان لباس و کتانی پیدا شد که هنگام سرقت از خانه زوج سالخورده بر تن داشت.

کارآگاهان که دیگر مطمئن شده بودند شهاب یکی از سارقان خانه پیرمرد است تلاش برای دستگیری او را آغاز کردند اما هیچ ردی از متهم در دست نبود و باتوجه به اینکه از دست مأموران فرار کرده بود؛ می‌دانست که پلیس در تعقیبش است و همین مسأله امکان بازداشت او را برای پلیس سخت‌تر کرده بود.

برج صدف
سرنخی مهم برای کارآگاهان

در میان فیلم‌هایی که در تلفن همراه شهاب بود، فیلمی بدست آمد که سرنخی مهم را در اختیار کارآگاهان اداره هفدهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داد. فیلم، شهاب را نشان می‌داد که در حال فیلم گرفتن از خودش است و روی بالکن ایستاده و مشغول سیگار کشیدن است. همزمان باران شروع به باریدن می‌کند و ناگهان صاعقه می‌زند و آسمان در چشم برهم زدنی روشن می‌شود. پشت سر متهم نمایی از یک ساختمان بلند دیده می‌شود و روی تابلوی برج نوشته «برج صدف». این تصویر که بعدها در میان مأموران به «نور خدا» معروف شد، مسیر تحقیقات را تغییر داد.

جست‌وجوی برج

کارآگاه در ادامه گفت:«حالا باید به دنبال این برج می‌گشتیم. از آنجایی که شهاب در کرج دستگیر شده بود، احتمال می‌رفت محل زندگی او کرج یا یکی از شهرستان‌های استان البرز باشد. به همین دلیل کارآگاهان به بررسی برج‌های صدف در حوزه استان البرز پرداختند و چندین برج شناسایی و تابلوی برج با تابلوی روی برجی که شهاب فیلمبرداری کرده بود، تطبیق داده شد و درنهایت پس از چندین روز جست‌وجوی میدانی، برج صدف پیدا شد. حالا نوبت آن بود که خیابانی که محل زندگی شهاب بود شناسایی شود. خیابان‌های اطراف در شعاع فرضی که فیلم با برج گرفته شده بود مورد بررسی قرار گرفت و درنهایت خیابان مورد نظر بدست آمد.»

حالا باید ساختمان محل زندگی شهاب شناسایی می‌شد این بار کارآگاهان با پوشش‌های مختلف به گفت‌وگو با کسبه و اهالی محل پرداختند و تلاش کردند اطلاعات بیشتری درباره ساکنان ساختمان به دست آورند. چند واحد به عنوان گزینه احتمالی شناسایی شد و سرانجام در تحقیقات به یک واحد مشخص رسیدند ؛آپارتمانی که هیچ رفت وآمدی در آن مشاهده نمی‌شد. هیچ صدا و هیچ سایه‌ای.

هفت روز در کابین آسانسور

سه روز خانه زیر نظر گرفته شد اما سرنخی بدست نیامد. مأموران وارد ساختمان شده و در اتاقک آسانسور در طبقه بالای ساختمان مخفی شدند و واحد آپارتمان شهاب و رفت و آمدها به ساختمان را زیر نظر گرفتند. زمستان بود؛ سرما، کمبود امکانات، بی‌خوابی و خستگی، بخشی از دشواری این عملیات بود. در عین حال کوچک‌ترین حرکت اشتباه می‌توانست عملیات را لو بدهد.

کارآگاه گفت: «در تمام این مدت، هیچ رفت‌وآمدی به واحد مورد نظر دیده نشده بود اما گاهی اوقات تنها صدای آب از لوله فاضلاب خانه همسایه به گوش می‌رسید که مطمئن نبودیم صدا به خاطر باز شدن شیرآب خانه همسایه است یا خانه شهاب. هفت روز از زیر نظر گرفتن خانه شهاب گذشته بود که ساعت حوالی ۶ بعد از ظهر صدای خفیفی از داخل خانه شنیده شد.» همین صدا کافی بود تا کارآگاهان مطمئن شوند کسی داخل خانه است.

چند ساعت بعد، صدای فرد دیگری نیز از داخل واحد شنیده شد. با شنیدن صداها که خیلی خفیف بود، بلافاصله دو تیم عملیاتی مسلح از تهران به محل اعزام شدند. همه چیز برای دستگیری آماده بود.

حدود ساعت ۱۱ شب، ناگهان درِ واحد باز و مظنون از خانه خارج شد. زمانی که شهاب قصد داشت وارد آسانسور شود، توسط کارآگاهان بازداشت شد. بعد از دستگیری مأموران وارد خانه شهاب شده و همسر او نیز بازداشت شد. کارآگاهان داخل خانه با اسلحه کلت کمری شهاب مواجه شدند که آماده شلیک بود.

پنجره‌های خانه با پتو پوشانده شده بود تا نور از داخل خانه به بیرون نتابد و تنها یک چراغ روشن بود آنها از هیچ وسیله روشنایی دیگری استفاده نکردند. شهاب قصد داشت خود را بی‌گناه جلوه دهد اما آنقدر مدارک پیش رویش قرار گرفت که ناچار به اعتراف شد. یکی از مدارک عکسی بود که در تصاویر دوربین‌های محل سرقت زوج سالخورده از صورت شهاب ثبت شده و فقط چشمانش مشخص بود. با تطبیق عکس و چهره متهم شباهت کاملاً مشهود بود و مشخص شد چشم‌ها متعلق به خود شهاب است. متهم جوان هم که چاره‌ای جز اعتراف نمی‌دید، نه تنها به سرقت از خانه زوج کهنسال بلکه سرقت‌های سریالی دیگری نیز اعتراف کرد.

همان‌طور که تصور می‌شد شهاب یکی از سارقان خانه زوج کهنسال بود و در تحقیقات گفت: «شب حادثه چند باری زنگ خانه مالباخته را به صدا درآوردیم اما کسی پاسخ نداد و با این تصور که کسی خانه نیست با تخریب در ورودی؛ وارد خانه شدیم.»

بیش از صد سرقت در کارنامه سارقان

به گفته متهم، آنها با دیدن زوج سالخورده در خانه ابتدا ترسیده بودند، اما چون آنها پیر بودند با تهدید از آن زوج سالخورده درباره محل نگهداری طلاها سؤال کردند. صاحبان خانه نیز محل گاوصندوق را نشان داده بودند. سارقان پس از باز کردن گاوصندوق، با حجم قابل توجهی طلا و اموال باارزش مواجه شدند. همین موفقیت، به گفته متهم، باعث شد پس از سرقت جشن بگیرند و با کشتن یک گوسفند میهمانی مفصلی برپا کنند.

تحقیقات پس از دستگیری اعضای باند ادامه پیدا کرد و در نهایت، ارتباط این گروه با حدود ۱۰۰ فقره سرقت دیگر نیز شناسایی شد. تحقیقات نشان می‌داد که این متهم از اعضای یک باند سرقت مسلحانه بوده که همدستانش نیز مدتی قبل به اتهام محاربه به اعدام محکوم و به دار مجازات آویخته شدند.

بدین ترتیب پرونده‌ای که نزدیک به یک سال بدون نتیجه باقی مانده بود، سرانجام در حدود ۴۰ روز به مرحله دستگیری رسید. ۴۰ روزی که از بازخوانی دقیق پرونده، تحلیل تصاویر و اطلاعات مجازی آغاز شد و به روزها کمین در یک ساختمان و سرانجام دستگیری متهم در کابین آسانسور ختم شد.

این پرونده برای کارآگاهان فقط یک سرقت ساده منزل نبود؛ پرونده‌ای بود که در آن، تجربه و تخصص و کار اطلاعاتی، دست به دست هم داد تا به نتیجه برسد. در این پرونده بی‌توجهی به جزئی‌ترین تصاویر و نشانه‌ها می‌توانست سرنوشت تحقیقات را تغییر دهد؛ اما عکس‌ها از یک جفت کفش و یک عکس میهمانی گرفته تا برق یک صاعقه که برای چند ثانیه، محل اختفای یک متهم فراری را روشن کرد راهگشای تیم پلیس بود.

یک جدول بادوشرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۳۹

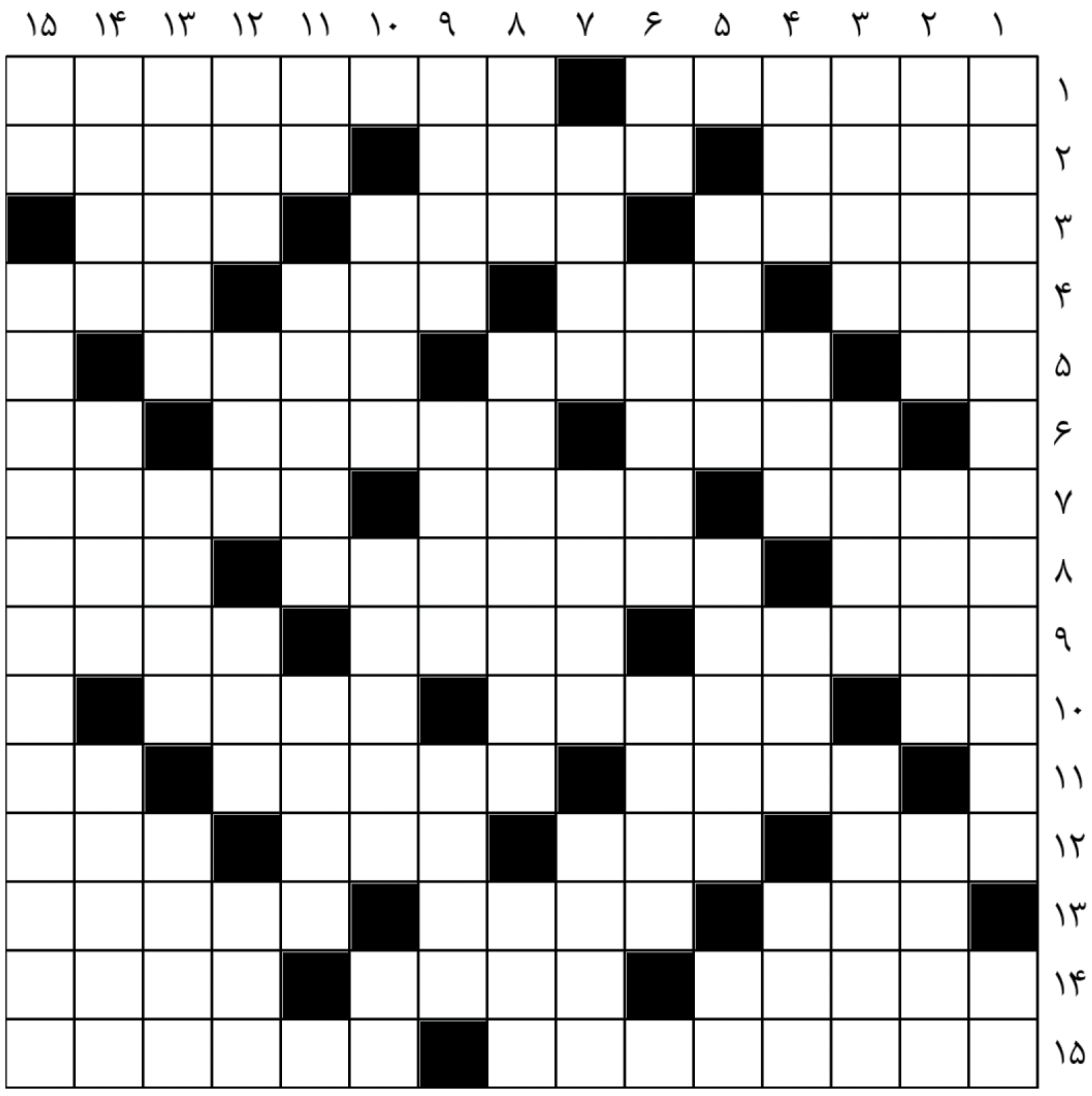

جدول عادی

افقی

۱- حشره عمودپرواز - بیماری استخوانی
۲- پیدا کرد - ماهی‌فروش - فلزی با علامت شیمیایی Co
۳- پیاپی و پیوسته - تیر راست و بلند - از امپراتوری‌های باستانی
۴- همان ارگ - جغد - زنده به آنیم! - اهلی
۵- همان «یک» است - عرق کردن - از رنگ‌ها
۶- شیرینی محلی تبریز - ترس - بعضی از بِرتشخیص ندهند
۷- صمغی تلخ - مقابل «فرعی» - نصیحت
۸- مقدس‌ترین برکت الهی - دارای سنی متوسط - آزاد
۹- پرسه‌زن - سوگ - بلا و زرنگ
۱۰- یازده! - عددی ترتیبی - پرنده‌ای پابلند
۱۱- پهلو - راهنمایی به راه راست - پولک ماهی
۱۲- نشانه فعل استمراری - قوم آتیلا - شوم - گوسفند جنگی
۱۳- بیان کردن جزئیات - توانایی خواندن و نوشتن - میوه‌ای شبیه پرتقال
۱۴- نوازنده دربار ساسانی - از شهرهای خاوری استان زنجان - خودروی ایرانی
۱۵- یکی از هنرهای قدیمی و صنایع دستی - تشکیلات

عمودی

۱- برنامه معروف و در حال پخش شبکه اول - بهانه‌جو می‌زند
۲- ناخالص - خواب کودکانه - دشوار
۳- لگد حیوانات - هر چیز آویزان - روستای تاریخی استان مرکزی
۴- کوچک‌ترین ذره - دیوار قلعه - بهره وام - مطابق
۵- قطعی برای کتاب - شهر پیامبر اکرم(ص) - اسم ترکی
۶- فرد - کاخ تاریخی فرانسه - پوست گندم
۷- پنهان - خاموش، بی‌صدا - امر به نواختن
۸- کریم - قرارداد اولیه معامله - از رنگ‌های اصلی
۹- جوش صورت - نقطه توقف - وجه مشترک انسان و خودرو!
۱۰- شاهد - شور کردن - خاک نرم
۱۱- عدد پیشتاز - فشرده‌گویی - نوعی تومور محتوی مایع در بدن
۱۲- دشمن درخت - گرو - لغزش، خطا - کشت و زرع
۱۳- نصرت و مدد - سکه رایج عهد هخامنشی - چهره‌پرداز
۱۴- اسم دخترانه - صدای نرم خندیدن - بندر اروپا
۱۵- یار پت! - رهبر جنبش جنگل

جدول ویژه

افقی

۱- برس سنتی ژاپنی - اثر «الیف شافاک»
۲- جناح لشکر - مستعمل - ماه میلادی
۳- گشادگی رگ‌های پا - خلاف «مذکر» - شیوا
۴- نگاه و نظر - دیروقت - عنوان مردانه - شبانگاه
۵- همانند - کریدور - ابزار اضافه لازم
۶- جست‌وجوگر - پیکر و اندام - اسب آذری
۷- عظمت، شکوه - چراگاه - بسیار سخت
۸- زمستان - رمان «مارک تواین» - خداحافظی خارجی
۹- بی‌اعتبار و قلابی - از رودهایی که به دریای خزر می‌ریزند - نویسنده «تنگسیر»
۱۰- رود اروپایی - پیل الکتریکی - راه، روش
۱۱- داخل نیست - گناه بزرگ - شهر جشنواره
۱۲- صندلی راحتی - حاصل کردن - طولانی‌ترین رشته‌کوه جهان - درخت بی‌بار
۱۳- درخت خرما - کنسرت نمایشی به کارگردانی امیر جدیدی - مجاز از همتا
۱۴- ایوانش آئینه عبرت است - لاغر و ضعیف - سمیع
۱۵- هزار بایت - آبریزگاه پشت بام

عمودی

۱- نویسنده «سوار بر اسب سفید» - زوبین
۲- آسودگی - از مصالح ساختمانی - زندانی
۳- آگاه - وردک - شهر استان اردبیل
۴- به‌سوی - نوع بلبلی هم دارد! - پول حرام - واحد پول «رومانی»
۵- به آخر رسیده - فراهم کردن - تکبر
۶- عدد توحیدی - منطقه‌ای در کرج - جست‌وجو کردن
۷- شریک زندگی - علم سرشماری - عضو بویایی
۸- امر به شنیدن - صوت‌شناسی - کارگردان ایرانی
۹- وسعت و فراخنا - روستایی در شهرستان «آوج» قزوین - گونه‌ای قایق سبک
۱۰- سنگین - در مرتبه یکم - پنکه
۱۱- ستون بدن - بخت‌برگشتگی - گونه و رده
۱۲- دفاع سابق تیم ملی فوتبال دانمارک - پسوند مکان - بخشی از کمان - ده دیدنی استان گلستان
۱۳- سرطان خون - نوعی چرم - نشان خاص
۱۴- بنیاد - بازگشت - خاویار گیاهی
۱۵- یک مجموعه کامل - تابلویی از «پل سزان»

حل جدول عادی شماره ۹۱۳۸

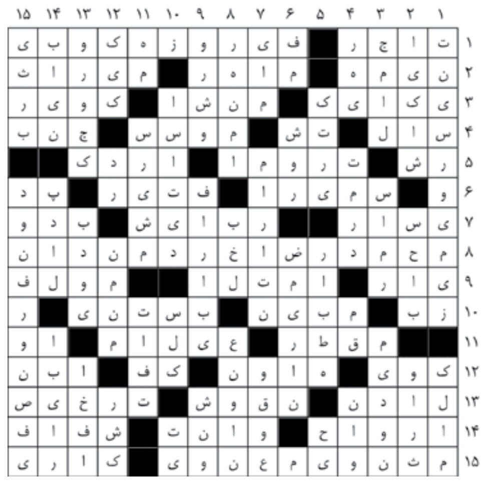

حل جدول ویژه شماره ۹۱۳۸